

«کیت تامپسون» با قصه‌هایی آمیخته از فانتزی و واقعیت



کیت تامپسون در سال ۱۹۵۶ در هیل فاکس، یورک شایر زاده شد. والدین او هر دو تاریخ نگار و نویسند بودند، پدرش یک شاعر واقعی بود. کیت تامپسون در کودکی به کوهستان، پیاده‌روی و فکر کردن علاقه‌مند بود. پس از به پایان رساندن دوره مدرسه، در انگلستان و آمریکا با اسب‌های مسابقه کار کرد و در کنار آن برای مطالعه حقوق به کالج رفت. اما کالج را ترک کرد و پس از یک سال به هند رفت. به آن کشور علاقه‌مند شد و به کارهای داوطلبانه و تحصیل پرداخت. در فاصله دو سفرش به هند، به ایرلند رفت و از ۱۹۸۱ در آن جا سکونت گزید.

او می‌گوید: از همان سال‌های اول عاشق نوشتن داستان بودم. در نوجوانی شعر و ترانه می‌سرودم. در سفرهایم برای نشر به‌ها مطلب می‌نوشتم. اما دهه ۸۰ به طور جدی به نوشتن پرداختم. در ۱۹۹۲ مجموعه‌ای از اشعارم چاپ شد و یکی دو سال پس از آن به نوشتن داستان بلند برای نوجوانان پرداختم. آن کتاب در ۱۹۹۴ چاپ شد.

کیت تامپسون نویسندگی شناخته شده در ایرلند و چند جایزه برای آثار خود گرفته است. داستان‌های او آمیخته‌ای از تاریخ، فانتزی و واقعیت‌اند. تامپسون تاکنون ۱۱ رمان نوشته و اکنون در ایرلند زندگی می‌کند. کتاب افواگران، کیمیاگر، آنا و اثر تعدادی از آثار اوست.

رمزگشایی استعداد کودکان با دقت نظر والدین

پدر و مادر وظیفه دارند که در رشد فکر و اندیشه، استعداد و علاقه و بالاخره در تصمیم‌گیری‌ها کودکان‌شان را کمک کنند و تجربیات‌شان را در اختیار آنان قرار دهند، اما اگر این راهنمایی‌ها منجر به اعمال نظر باشد مخربند



● دخالت‌های بی‌مورد والدین

مناسفانه در بین اکثر خانواده‌ها دیده می‌شود که والدین تمایل دارند فرزندشان ادامه علاقه‌مندی آنان را بی‌گیرد. به طور مثال پدری که آهنگساز است به کودکش موسیقی را تحمیل می‌کند یا برعکس مثلاً می‌گوید دنبال هر کاری برو غیر از موسیقی.

البته پدر و مادر وظیفه دارند که در رشد فکر و اندیشه، استعداد و علاقه و بالاخره در تصمیم‌گیری‌ها کودکان‌شان را کمک کنند و تجربیات‌شان را در اختیار آنان قرار دهند، اما اگر این راهنمایی‌ها منجر به اعمال نظر باشد مخربند. این دخالت‌هایی بی‌مورد است و باعث پرت افتادن کودک از مسیرش می‌شود. بنابراین والدین در رابطه با انتخاب رشته یا علاقه‌مندی یا هر انتخاب دیگر در مورد فرزندشان باید به این اصول توجه لازم و کافی کنند.

به طور مثال پدر یا مادری که آرزوهای برآورده نشده در زندگی دارد به هیچ وجه نباید فرزندش را زبر فشار بگذارد که به آن آرزوها دست یابد و در واقع شکست خود را با پیروزی فرزندش جبران کند. مثلاً پدری که خود پزشک نشده است، بخواهد با پزشک شدن پسرش در واقع به آرزوی خود برسد، چه بسا که آن فرزند هیچ علاقه‌ای به حرفه پزشکی نداشته باشد در نتیجه با عدم موفقیت و سرخوردگی مواجه می‌شود و فرصت‌های آن را که در اختیار داشته به خاطر دخالت‌ها و اجبار دیگران این‌گونه از دست بدهد.

نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که فرزند خود را روی طیف وسیعی از تجربیات قرار دهید. این امر باعث فعال شدن استعدادها و نهفته وی می‌شود. فکر نکنید چون او علاقه‌ای نشان نمی‌دهد، بنابراین استعدادی هم در آن زمینه ندارد. بگذارید بر تکتب اشتباه شود. اگر همه کارها را به طور کامل و بی‌نقص انجام دهد، هرگز برای کشف و گسترش یک استعداد خط نخواهد کرد.

و مورد مهم دیگر این‌که هیچگاه کودک تان را مجبور به یادگیری نکنید. این امید که برای پیشرفت و رشد دادن استعدادها و کودکی، باید هر روز درس‌های خاصی را به آنان آموخت، ممکن است آنان را مضطرب و دلزده کند و نتیجه‌اش درست عکس انتظار شما شود.

پدران و مادران می‌توانند رفتار کودک را در محیط خانه مورد مشاهده دقیق قرار داده به رغبت‌های او پی ببرند. کودک به هر چه علاقه داشته باشند خود را در رادار محیط خانه به همان مشغول می‌کنند

و رغبت کودک پس‌برود. در مواردی هم می‌توان به وسیله پرسش‌ها به ذوق و رغبت‌های آنان پی‌برد. برای این‌که بهتر بتوان در این کار توفیق یافت باید از هر دو وسیله استفاده کرد یعنی هم رفتار کودک را مورد مشاهده و مطالعه قرار داد و هم از سوالاتی کرده پاسخ‌های وی را تجزیه و تحلیل کنیم.

جوگیر شده باشد و فقط یک تصمیم لحظه‌ای و هیجانی گرفته باشد. شما به هیجان او دامن نزنید و منطقی باشید. گاهی والدین بیشتر از بچه‌ها هیجانی تصمیم می‌گیرند، اما راه درست زمان دادن است.

چرا که این روش در براهه قدم نهادن و دور شدن از موفقیت است، پس به دور از هر هیجانی به فرزندتان کمک کنید تا راه خود را پیدا کند.

● استعداد کودکان خود را چگونه بشناسید؟

پدران و مادران می‌توانند رفتار کودک را در محیط خانه مورد مشاهده دقیق قرار داده و به رغبت‌های او پی ببرند. کودک به هر چه علاقه داشته باشند خود را در محیط خانه به همان مشغول می‌کنند بنابراین بر اثر مشاهده‌های مختلف می‌توان پی‌برد که کودک به چه چیز بیشتر علاقه نشان می‌دهد، پس با مراقبت و مشاهده به تدریج می‌توان به ذوق

علی روستایی

بدون شک هر انسانی در زمینه خاصی دارای یک استعداد ذاتی است. یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت قبل از تلاش و کوشش، در واقع کشف این استعداد است. بنابراین کشف استعداد بسیار حائز اهمیت است. والدین بر عهده دارند که با دقت در رفتار و علاقه کودکان‌شان استعداد آنان را رمزگشایی کرده و به او در راه رسیدن به آن یاری رسانند.

شما باید به فرزندتان کمک کنید تا بتواند یک تصمیم درست بگیرد و علاقه‌اش را پیدا کند. گاهی بچه‌ها تحت تاثیر چیزی غیر از علاقه و استعداد خود قرار می‌گیرند مثل دیدن یک فیلم یا یک دوست که در زمینه خاصی فعالیت موفقی دارد. در چنین مواقعی فرزندتان ممکن است به اصطلاح

پدران و مادران فرهیخته! از حال‌طعم خواندن روزنامه رابه فرزندتان خودبچشانید

داستانک

رئیس و کودک

دلشوره تبدیل شده بود پرسید: «این چه صدایی است؟». صدای ظریف و آهسته کودک پاسخ گفت: «یک هلیکوپتر»
رئیس بسیار آشفته و نگران پرسید: «آنجا چه خبر است؟»
کودک با همان صدای بسیار آهسته که حالا ترس آمیخته به احترامی در آن موج می‌زد پاسخ داد: «گروه جست‌وجو همین الان از هلیکوپتر پیاده شدند.»
رئیس که زنگ خطر در گوشش به صدا درآمده بود، نگران و حتی کمی لرزان پرسید: «آنها دنبال چی می‌گردند؟»
کودک که همچنان با صدایی بسیار آهسته و نجواکنان صحبت می‌کرد با خنده ریزی پاسخ داد: «من.»



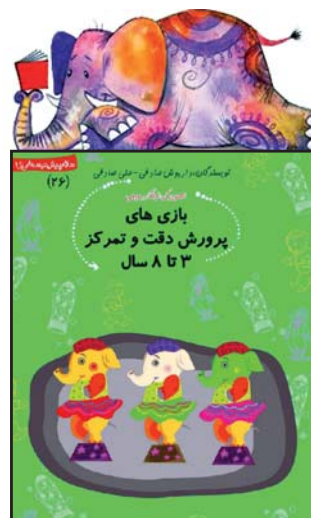
روزی رئیس یک شرکت بزرگ به دلیل یک مشکل اساسی در رابطه با یکی از کامپیوترهای اصلی مجبور شد با منزل یکی از کارمندانش تماس بگیرد. بنابراین، شماره منزل او را گرفت. کودکی به تلفن جواب داد و نجوا کنان گفت: «سلام». رئیس پرسید: «بابا خونه‌س؟»
صدای کوچک نجواکنان گفت: «بله»
– می‌تونم با او صحبت کنم؟ کودکی خیلی آهسته گفت: «نه»
رئیس که خیلی متعجب شده بود و می‌خواست هر چه سریع‌تر با یک بزرگسال صحبت کند، گفت: «مامانت اونجاس؟»
– بله
– می‌تونم با او صحبت کنم؟

دوباره صدای کوچک گفت: «نه». رئیس به امید این‌که شخص دیگری در آنجا باشد که او بتواند حداقل یک پیغام بگذارد پرسید: «آیا کس دیگری آنجا هست؟» کودک زمزمه کنان پاسخ داد: «بله، یک پلیس.»
رئیس که گیج و حیران مانده بود که یک پلیس در منزل کارمندش چه می‌کند، پرسید: «آیا می‌تونم با پلیس صحبت کنم؟» کودک خیلی آهسته پاسخ داد: «نه، او مشغول است.»
– مشغول چه کاری است؟ کودک همان‌طور آهسته باز جواب داد: «مشغول صحبت با مامان و بابا و آتش‌نشان.» رئیس که نگران شده بود و حتی نگرانی‌اش با شنیدن صدای هلیکوپتری از آن طرف گوشی به

مامان، بابا!

این کتاب‌برام بخون

نام کتاب: بازی‌های پرورش دقت و تمرکز
درباره کتاب: آنچه در این کتاب می‌توانید استفاده کنید، تمرین‌هایی است که باعث افزایش توجه و دقت در کودکان می‌شود. یکی از مشکلاتی که امروزه کودکان در هنگام ورود به مدرسه با آن مواجه هستند عدم توجه و دقت کافی است.
نویسنده: داریوش صادقی، علی صادقی
ناشر: نشر نیستان
بهاء: ۷۵۰۰ تومان



خنده و شادی



گوشت گاو

محمود: من از بس گوشت گاو خوردم، پر زور و قوی شده‌ام. مسعود: پس چرا من این قدر ماهی می‌خورم، شنا یاد نمی‌گیرم.

تولد

از مظفر پرسیدند: تولدت کی است؟
گفت: این سه‌شنبه‌ه، پنج‌شنبه دیگر.

شعر

کفش‌های خاله سوسکه

کفش‌های خاله سوسکه
به پاش یه کم تنگ شده
وقتی که اون راه می‌ره
فکر می‌کنی می‌لنگه

خریده آقا موشه
سنبج نرم و تازه
پوستاشو کنده و زود
برده به یک مغازه

صاحب این مغازه
یک آقا پینه دوزه
با پوست نرم سنبج
کفش‌های خوب می‌دوزه

برای خاله سوسکه
می‌دوزه کفش تازه
خدا کنه که باشه
به پای او اندازه

شکوه قاسم نیا